

## حمله های نظامی را متوقف کنید

دیپلماسی جهانی برای اعلام هرچه زودتر آتش  
بس فعال شود

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان، جنایتکاران جنگی  
و مدافعین حمله های نظامی

سرنگون باد حکومت های جنگ طلب و دیکتاتور  
گسترده تر و مستحکم تر باد همبستگی اکثریت اهالی  
جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا - اسرائیل  
و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت  
حکومت جنایتکار اسلامی در ایران

- بحران بلاتکلیفی و فرسایش روانی زندانیان زیر سایه جنگ

- # نیمکت های خالی

کودکان از دست رفته؛ خاطره ای که خاموش نمی شود

- # کودکان قربانی جنگ

۱۰۸ کودک قربانی جنگ؛ ۱۰۸ زندگی قطع شده

- مرضیه محبی / وکیل دادگستری : و باز هم روسیاهی ابدی برای جمهوری اسلامی ماند

ما جنگ ایالات متحده با ایران را تحت هر بهانه ای به شدت محکوم می کنیم

مخالفت با جنگ به معنای دفاع از استبداد نیست

\*\*\*\*\*

## \*بحران بلاتکلیفی و فرسایش روانی زندانیان زیر سایه جنگ

این روزها علاوه بر هجوم جنگ و اضطراب مداوم حفظ جان، وضعیت زندانیان و بلاتکلیفی حقوقی آنها به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های خانواده‌ها و فعالان حقوقی تبدیل شده است. نگرانی از توقف رسیدگی‌ها، تعویق در صدور قرارها و گسترش شایعات در فضای رسانه‌ای، موجی از اضطراب و سردرگمی را میان خانواده‌های زندانیان به‌وجود آورده است. تماس‌های پی‌درپی خانواده‌ها با وکلا و نهادهای مرتبط، مراجعه‌های حضوری و پرسش‌های بی‌پاسخ درباره امنیت، تغذیه و امکان مرخصی، نشان آن است که جنگ، حتی پشت دیوارهای بسته زندان نیز آرامش را بر هم زده است.

### روایت خانواده‌ها از پشت دیوارهای زندان

روایت خانواده زندانیان نیز تصویر ملموس‌تری از شرایط این روزها ارائه می‌دهد؛ روایتی از نگرانی، بلاتکلیفی و زندگی در سایه صدای انفجار و خاموشی‌های ناگهانی. یکی از بستگان یک زندانی بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌ماه، که هم‌اکنون در زندان تهران بزرگ نگهداری می‌شود، از وضعیت برادر همسرش، و شرایط کلی زندان می‌گوید: «استرس داخل زندان چند برابر بیرون است».

به گفته این عضو خانواده، نگرانی از امنیت، محدودیت ارتباط و بی‌خبری از آینده، فضایی سنگین بر بندها حاکم کرده است. او توضیح می‌دهد که تماس‌های تلفنی اخیر نشان می‌دهد زندانیان، به‌ویژه در روزهای نخست حملات، با شوک و آشفتگی جدی روبه‌رو بوده‌اند و حتی در نخستین تماس‌ها، تنها از سلامت خود خبر داده‌اند و فرصت گفت‌وگوی مفصل نداشته‌اند. آنها می‌گویند غذا هست، اما کیفیت و بهداشت محیط مورد انتقادشان است.

بر اساس گفته‌های این عضو خانواده، در حال حاضر به دلیل ماه رمضان، دو وعده غذا به زندانیان داده می‌شود؛ یک وعده در ساعت دوی بامداد و وعده دیگر پس از افطار. بوفه زندان نیز اغلب تعطیل است و امکان تهیه اقلام ضروری از این مسیر وجود ندارد. در نتیجه، خانواده‌ها ناچارند بسیاری از نیازهای اولیه را از بیرون تأمین کنند.

یکی از جدی‌ترین مشکلات، به گفته این خانواده، مربوط به تأمین داروست. آنها چند بار برای تحویل دارو به زندان مراجعه کرده‌اند، اما تنها بخشی از داروها به دست زندانی رسیده است. در برخی موارد، مسئولان اعلام کرده‌اند داروها مفقود شده یا تحویل داده نشده‌اند. همین مسئله باعث شده در روزهای ابتدایی بازداشت، برخی زندانیان دچار سرماخوردگی و عفونت شوند.

اما این روزها، نگرانی اصلی خانواده‌ها، امنیت جانی زندانیان در شرایط جنگی است. این عضو خانواده می‌گوید در روزهای گذشته، زندانی آنها از شنیدن صداهای شدید در اطراف زندان، قطع موقت برق و فضای پر تنش داخل بند خبر داده است. پس از این اتفاقات، تردد زندانیان به‌شدت محدود شده و آنها اغلب در سالن‌های خود نگه داشته می‌شوند. حتی دسترسی به آب‌خوری و فضاهای عمومی نیز در مقاطعی متوقف شده است. به گفته او، مسئولان زندان توضیح روشنی درباره ماهیت این صداها یا میزان خطر احتمالی ارائه نکرده‌اند و همین ابهام، اضطراب زندانیان را افزایش داده است.

به گفته این خانواده برقراری تماس تلفنی نیز در این روزها با دشواری همراه است. محدودیت شارژ کارت‌ها، اختلال در دستگاه‌های ارتباطی و تعطیلی بوفه، باعث شده زندانیان برای تماس گرفتن با خانواده، با مشکل مواجه شوند. در بسیاری موارد، خانواده‌ها ناچارند هزینه‌ها و پیگیری‌های لازم را از بیرون انجام دهند تا امکان تماس حداقلی فراهم شود.

به گفته این خانواده، زندانی آنها 24 ساله است، از 22 دی ماه بازداشت شده و هنوز حکم قطعی ندارد. با این حال، گمانه‌هایی درباره حضور قضات در داخل زندان و تسریع روند رسیدگی مطرح شده که هنوز قطعیت ندارد.

جواب درستی نمی‌دهند

بحران بلاتکلیفی و فرسایش روانی، محدود به یک زندان یا یک شهر نیست و تا دورترین نقاط کشور هم ادامه دارد. «هیچ‌کس جواب ما را نمی‌دهد»؛ این صدای پدر یکی از زنان زندانی است. دختری که از سال 1401 در زندان اهواز زندانی است. پدر او از تجربه خانواده‌اش می‌گوید که در میان فشار اقتصادی، دوری راه و بی‌پناهی اداری، چند سال است که در انتظار تعیین تکلیف پرونده دخترش نشسته و حالا حمله اسرائیل و آمریکا به ایران نگرانی‌اش را چند برابر کرده است.

این مرد که ساکن ایذه است. می‌گوید پیگیری‌های مکرر خانواده، تاکنون به نتیجه روشنی نرسیده و هیچ مرجع مشخصی پاسخگوی وضعیت دخترش نبوده است. او توضیح می‌دهد که برای آزادی دخترش، وثیقه 20 میلیاردی کرایه کرده و مدتی است که با هزار سختی ماهی 45 میلیون تومان کرایه سندها را می‌دهد. هزینه‌هایی که زندگی روزمره خانواده را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

این دختر مجرد است و مادرش سال‌ها پیش فوت کرده است. پدر خانواده می‌گوید فرزندانش از کودکی با فقدان مادر بزرگ شده‌اند و عملاً بار تربیت و سرپرستی آنها بر دوش خود او افتاده است. او تأکید می‌کند که امروز نیز، در پیگیری پرونده دخترش، تنهاست. مراجعات مکرر به نهادهای مختلف، اغلب با پاسخ‌های کوتاه یا ارجاع‌های بی‌نتیجه همراه بوده است. او می‌گوید هنوز هم حکم مشخصی به خانواده ابلاغ نشده و وضعیت پرونده مبهم است.

به گفته او، ماه‌ها طول کشیده تا امکان حضور وکیل فراهم شود و همین تأخیر، روند دفاع حقوقی را مختل کرده است. فاصله جغرافیایی ایذه تا اهواز نیز پیگیری‌های حضوری را دشوارتر کرده است.

او از سابقه حضورش در جبهه سخن می‌گوید: «چرا خانواده‌ای که سال‌ها برای کشورش هزینه داده، امروز باید چنین سرنوشتی را تحمل کند». حالا وضعیت جنگی هم مضاعف شده و پدر می‌گوید صدای حملات در اهواز مینا را مضطرب کرده و دخترش حال روحی و جسمی خوبی ندارد.

این تعلیق دائمی است

بحران زندان‌ها مرز جغرافیایی نمی‌شناسد. از پایتخت تا جنوب کشور، خانواده‌ها با مجموعه‌ای مشابه از مشکلات روبه‌رو هستند: نبود پاسخ‌گویی روشن، فشار اقتصادی، محدودیت حقوقی و انتظار طولانی. در این میان، خانواده‌هایی که دسترسی کمتری به منابع حقوقی و ارتباطی دارند، بیش از

دیگران در معرض فرسایش روحی و اجتماعی قرار می‌گیرند؛ وضعیتی که به گفته بسیاری از آن‌ها، نه تنها زندگی امروز، بلکه آینده‌شان را نیز در تعلیق نگه داشته است.

این روزها، اضطراب و بلاتکلیفی، در میان بسیاری از خانواده‌ها تجربه‌ای مشترک است. «دل‌نگرانی ما هر روز بیشتر می‌شود»؛ این را خواهر یکی از زندانیان بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌ماه، که اکنون در زندان تهران بزرگ است، می‌گوید.

به گفته او، از ابتدای درگیری‌ها، ملاقات‌های حضوری لغو شده و خانواده‌ها عملاً امکان دیدار با عزیزانشان را ندارند. تعطیلی بخشی از فعالیت‌های اداری زندان و کاهش حضور کادر نیز روند پیگیری را دشوارتر کرده است. خواهر این زندانی می‌گوید در هفته‌های اخیر، به خانواده‌ها اعلام شده که ملاقات‌ها فعلاً برقرار نیست و زمان بازگشت آن نیز مشخص نیست. هم‌زمان، بوفه زندان نیز تعطیل شده و امکان تهیه اقلام ضروری برای زندانیان وجود ندارد. به گفته او، تعطیلی بوفه، بیشترین فشار را بر زندانیانی وارد کرده که پیش‌تر بخشی از نیازهای غذایی و بهداشتی خود را از این مسیر تأمین می‌کردند. اکنون، بسیاری از آنها ناچارند تنها به جیره محدود زندان اکتفا کنند.

این خواهر توضیح می‌دهد که آب زندان کیفیت مطلوبی ندارد و شوری آن باعث تشنگی مداوم زندانیان می‌شود؛ موضوعی که پیش‌تر با خرید آب از بوفه تا حدی جبران می‌شد، اما اکنون امکان آن وجود ندارد. به گفته او، میزان غذا هم محدود است و در برخی وعده‌ها، سهم هر زندانی به مقدار اندکی نان و غذای ساده کاهش یافته است. این وضعیت، به‌ویژه در ماه رمضان، فشار بیشتری بر زندانیان وارد کرده است.

برادر او در وضعیت بازداشت موقت به سر می‌برد. رسیدگی به پرونده، هم‌زمان با تعطیلی دادگاه‌ها و آغاز درگیری‌ها، متوقف شده و زمان مشخصی برای برگزاری دادگاه اعلام نشده است. او می‌گوید خانواده حاضر است هر گونه تضمین قانونی یا وثیقه لازم را ارائه دهد تا برادرش در شرایط جنگی، موقتاً در کنار خانواده باشد، اما بازداشت موقت، عملاً امکان استفاده از مرخصی را بسیار محدود کرده است.

به گفته این عضو خانواده، از آغاز جنگ، فضای زندان امنیتی‌تر شده است. هواخوری‌ها لغو شده و تردد زندانیان کاهش یافته است. این محدودیت‌ها، به‌طور مستقیم بر وضعیت روحی زندانیان اثر گذاشته و احساس حبس مضاعف را تشدید کرده است.

در چنین فضایی، پیام درفشان، وکیل دادگستری، از واقعیت‌های حقوقی و اجرایی زندان‌ها در شرایط بحرانی سخن می‌گوید؛ واقعیت‌هایی که در برخی موارد، فاصله زیادی با تصورات عمومی دارد. به گفته این وکیل دادگستری، زندانیان از نظر قانونی در دو وضعیت کاملاً متفاوت قرار دارند: «گروهی که حکم قطعی محکومیت دارند، مشمول آیین‌نامه سازمان زندان‌ها هستند و امکان برخورداری از مرخصی یا برخی تسهیلات، با نظر قاضی ناظر و در چارچوب ضوابط مشخص، برای آنها وجود دارد. در مقابل، بازداشت‌شدگان موقت، که هنوز پرونده‌شان به مرحله صدور حکم نرسیده، خارج از اختیار مدیریت زندان هستند و هرگونه تصمیم درباره وضعیت آنها صرفاً در صلاحیت مرجع صادرکننده قرار بازداشت است. همین تفکیک حقوقی، عملاً امکان تصمیم‌گیری یکسان برای همه زندانیان را در شرایط اضطراری از میان برده است».

در روزهای گذشته، بخشی از نگرانی خانواده‌ها با حدس و گمان‌هایی درباره قطع غذا و آب در برخی زندان‌ها تشدید شد. درفشان توضیح می‌دهد که منشأ اصلی این اخبار، تعطیلی بوفه‌های زندان بوده است: «واحدی که توسط پیمانکاران خصوصی اداره می‌شوند، در شرایط بحرانی، حضورشان تضمین شده نیست. با این حال، توزیع غذای اصلی زندان ادامه دارد و روند کلی تغذیه متوقف نشده است. در ماه رمضان نیز وعده‌های غذایی طبق روال مشخص ارائه می‌شود، هر چند محدودیت‌ها و کاهش امکانات جانبی، احساس محرومیت را در میان زندانیان و خانواده‌هایشان افزایش داده است».

البته در کنار مسائل معیشتی، مسئله امنیت جانی زندانیان نیز به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌ها تبدیل شده است. درفشان توضیح می‌دهد که به تعدادی از زندانیان واجد شرایط، با تأیید شورای طبقه‌بندی و در چارچوب مقررات، مرخصی اعطا شده است. اما همین اقدام محدود، به سوءتفاهم‌هایی گسترده دامن زده است: «بخشی از زندانیان و خانواده‌ها تصور کرده‌اند که امکان آزادی یا مرخصی برای همه وجود دارد و محروم ماندن برخی افراد، ناشی از سلیقه یا بی‌توجهی مدیران زندان است. این برداشت نادرست، زمینه‌ساز تجمع‌ها، اعتراض‌ها و فشارهای روانی بر مسئولان محلی شده است. واقعیت اما آن است که اختیارات رئیس زندان و قاضی ناظر، محدود به چارچوب‌های مشخص قانونی است».

به گفته او در حوزه بازداشت‌های موقت، حتی مدیران ارشد زندان نیز اختیار مستقلی ندارند و نمی‌توانند بدون نظر مرجع قضایی صادرکننده قرار، اقدامی انجام دهند. همین محدودیت ساختاری، باعث شده که بخش بزرگی از مطالبات خانواده‌ها، در عمل بدون پاسخ فوری باقی بماند. از سوی دیگر، ضعف ارتباط میان نهادهای تصمیم‌گیرنده و خانواده‌ها، بر شدت بحران افزوده است.

درفشان می‌گوید: «خانواده‌هایی که هفته‌ها و گاه ماه‌ها در انتظار تعیین تکلیف پرونده عزیزانشان بوده‌اند، اکنون با شرایط جنگی و نااطمینانی مضاعف روبه‌رو شده‌اند. نبود کانال‌های شفاف اطلاع‌رسانی، این احساس را تقویت کرده که سرنوشت زندانیان در فضایی مبهم و دور از دسترس افکار عمومی رقم می‌خورد».

بر اساس توضیحات این وکیل دادگستری، بخش‌هایی که مسئول تصمیم‌گیری درباره قرارهای بازداشت، تبدیل قرار به وثیقه یا آزادی موقت هستند، خود در جریان حملات آسیب دیده‌اند؛ «ساختمان‌هایی مانند دادگاه انقلاب تهران و برخی دادرهای مستقر در همان محدوده، با اختلال جدی در فعالیت روبه‌رو شده‌اند و همین مسئله، روند رسیدگی قضایی را دچار وقفه کرده است».

به گفته درفشان، وقتی خود نهاد تصمیم‌گیر تحت فشار جنگی قرار می‌گیرد، طبیعی است که تبدیل قرار بازداشت، صدور وثیقه یا بررسی درخواست‌های آزادی موقت با تأخیر یا توقف مواجه شود. در مقابل، درباره زندانیانی که حکم قطعی دارند و از نظر قانونی امکان مرخصی برایشان وجود دارد، سازوکار متفاوتی برقرار است. در این موارد، خانواده‌ها می‌توانند از مسیر زندان پیگیری کنند و مدیریت زندان نیز، در حد اختیارات خود، در حال انجام این روند است.

او می‌گوید در شرایط فعلی، به‌دلیل آسیب‌دیدن زیرساخت‌های قضایی و دشواری تردد، ناگزیر باید یا زندانیان برای رسیدگی به وضعیت قرارها به نزد قاضی منتقل شوند یا قضات در محل زندان حضور پیدا کنند؛ اقدامی که به باور او، نه تهدید، بلکه راهی برای خروج پرونده‌ها از بلاتکلیفی است. درفشان با انتقاد از فضا سازی رسانه‌های خارجی، این روند را بخشی از جنگ روانی علیه خانواده‌ها می‌داند و تأکید می‌کند اطلاع‌رسانی دقیق می‌تواند مانع تشدید نگرانی‌ها شود. او همچنین پیشنهاد می‌دهد حضور محدود وکلای شناخته‌شده و مورد اعتماد زندانیان در زندان‌ها، می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد آرامش، افزایش اعتماد عمومی و خنثی‌سازی شایعات داشته باشد؛ اقدامی که به گفته او، در این شرایط بحرانی بیش از هر زمان دیگری ضروری است.

#### وضعیت بازداشتگاه‌های امنیتی؛ پیچیدگی مضاعف

بخش دیگری از نگرانی‌ها به وضعیت زندانیان سیاسی و امنیتی، به‌ویژه در زندان اوین، بازمی‌گردد. درفشان با اشاره به گزارش‌هایی درباره جابه‌جایی برخی بندها، از جمله بند ۲۹، تأکید می‌کند که هنوز اطلاعات دقیق و رسمی درباره جزئیات این جابه‌جایی‌ها در دست نیست. او معتقد است که وضعیت بازداشتگاه‌های امنیتی، ماهیتی کاملاً متفاوت با سایر بندها دارد و تصمیم‌گیری درباره آنها در چارچوب‌های خاص‌تری انجام می‌شود. این بازداشتگاه‌ها، در دل زندان، تحت ضوابط مضاعف امنیتی اداره می‌شوند و مشمول مقررات عمومی مرخصی یا تسهیلات معمول نیستند.

به گفته این وکیل دادگستری، در این بخش‌ها افراد با پرونده‌های بسیار متفاوت نگهداری می‌شوند؛ از کسانی که در مرحله بازجویی هستند و ممکن است صرفاً با سوء تفاهم مواجه شده باشند، تا افرادی که با اتهام‌های سنگین امنیتی، از جمله جاسوسی واقعی یا فعالیت‌های پرخطر، بازداشت شده‌اند. همین تنوع پرونده‌ها، امکان تصمیم‌گیری یکسان را از میان برده و روند رسیدگی را پیچیده‌تر کرده است. در چنین شرایطی، صدور مرخصی برای زندانیان امنیتی، به‌مراتب دشوارتر از سایر زندانیان است و تابع ضوابطی درون ضوابط دیگر می‌شود؛ مقرراتی که حتی در شرایط عادی نیز سخت‌گیرانه‌اند و در فضای جنگی، محدودتر هم شده‌اند.

#### چه کسانی مشمول مرخصی می‌شوند؟

درفشان در تشریح معیارهای قانونی مرخصی، بر سه شرط اصلی تأکید می‌کند: «نخست، صدور حکم قطعی محکومیت؛ دوم، نداشتن قرار بازداشت موقت؛ و سوم، موافقت شورای طبقه‌بندی زندان که متشکل از مسئولان مختلف، از جمله قاضی ناظر است». در مواردی خاص، به‌ویژه در شرایط بحرانی، ممکن است بخش‌نامه‌هایی صادر شود که از سخت‌گیری‌های معمول بکاهد و زمینه استفاده تعداد بیشتری از زندانیان از مرخصی را فراهم کند. با این حال، به گفته او، تاکنون نمی‌توان از وجود یک دستورالعمل فراگیر و الزام‌آور برای همه زندان‌ها سخن گفت و هر مورد همچنان به‌صورت موردی بررسی می‌شود.

درفشان می‌گوید بخش مهمی از اضطراب‌ها، ناشی از نبود اطلاعات دقیق و به‌روز است. خانواده‌ها، در غیاب اطلاع‌رسانی رسمی، به شایعات متکی می‌شوند و همین موضوع بر شدت نگرانی‌ها اضافه می‌کند. او تأکید می‌کند که برخی گزارش‌ها، از جمله درباره گرسنگی یا قطع کامل امکانات،

اغراق‌آمیز است و با اطلاعاتی که از خانواده‌های دیگر به دست آمده، همخوانی ندارد. با این حال، نبود مرجع رسمی پاسخگو، باعث شده همین روایت‌های غیررسمی به منبع اصلی خبر تبدیل شود.

### **دستور رسیدگی صادر شد**

امروز تعدادی از خانواده‌های زندانیان مستقر در زندان تهران بزرگ از طریق تماس مستقیم با بستگان خود در زندان مطلع شده‌اند که افراد دارای قرار وثیقه، برای پیگیری وضعیت پرونده‌شان باید در روزهای آینده به محلی که به آنها اطلاع داده شده، مراجعه کنند. این اطلاع‌رسانی در شرایطی انجام شده که همزمان نگرانی‌هایی درباره امنیت مسیرها و اماکن قضائی در فضای جنگی مطرح است. به گفته منابع مطلع، خانواده‌ها خواستار آن هستند که روند پیگیری پرونده‌ها بدون ایجاد بلا تکلیفی و در فضایی امن انجام شود.

منبع اصلی: گزارش رسانه ای شده بتاريخ 14 اسفند

### **\*\*نیمکت‌های خالی**

#### **کودکان از دست رفته؛ خاطره‌ای که خاموش نمی‌شود**

خون کودکان بی‌گناه، محصول مستقیم سرکوب بی‌رحمانه است. هر نیمکت خالی، فریاد خاموش نسلی است که با تیر و وحشت از حق زندگی، امنیت و آموزش محروم شده و یادآور نسلی است که با خشونت، آینده‌اش ربوده شد.

259- نام کودک: رامین رستمی، ۱۸ ساله

محل کشته‌شدن: مشهد

تاریخ: ۱۹ دی ماه

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن ابراز تأسف عمیق و همدردی با خانواده‌های داغدار، خواستار پایان فوری خشونت، تضمین امنیت جانی کودکان و آزادی تمامی بازداشت‌شدگان است.

توجه: شورا اسامی این کودکان را بر اساس اخبار منتشرشده در شبکه‌های قابل اعتماد و منابع معتبر منتشر می‌کند. اگر اطلاعاتی موثقی دارید، لطفاً با ما به اشتراک بگذارید تا گزارش‌ها دقیق‌تر و مستندتر شوند.

(برای مشاهده تصویر به کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران مراجعه شود)

### **\*\*کودکان قربانی جنگ**

۱۰۸ کودک قربانی جنگ؛ ۱۰۸ زندگی قطع شده

در جریان فاجعه دلخراش در دبستان دخترانه‌ی «شجره طیبه» میناب، دست‌کم ۱۰۸ کودک بی‌گناه جان باختند. هر #نیمکت\_خالی و هر #کوله‌پشتی\_رهاشده، یادآور نسلی است که از حق زندگی، امنیت و آموزش محروم شد؛ نسلی که با خشونت و بی‌رحمی آینده‌اش ربوده شد.

محل حادثه: دبستان دخترانه‌ی «شجره طیبه»، #میناب

تاریخ: ۹ اسفند ماه ۱۴۰۴

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران این فاجعه را محکوم کرده و تأکید می‌کند: کودکان و مدارس هرگز نباید به اهداف جنگی تبدیل شوند. خواست ما پایان فوری خشونت و تضمین امنیت جانی دانش‌آموزان است.

توجه: اطلاعات این گزارش همچنان در حال تکمیل است. شورای هماهنگی از معلمان، کارکنان آموزشی و افراد مطلع در منطقه درخواست می‌کند در صورت دسترسی به هرگونه اطلاعات موثق درباره تعداد قربانیان، نام‌ها، تصاویر یا جزئیات حادثه، آن را برای تکمیل این گزارش با ما به اشتراک بگذارند.

این پست با دریافت اطلاعات تکمیلی به‌روزرسانی خواهد شد.

صد و هشت #کوله‌پشتی\_رها شده؛ صد و هشت داستان که باید دیده و شنیده شوند، حتی اگر نامشان ناشناخته باشد.

#کوله‌پشتی‌های\_رها شده

#کودکان\_قربانی\_جنگ

#صد و هشت\_کودک\_بی‌نام

**\*مرضیه محبی / وکیل دادگستری : و باز هم روسیاهی ابدی برای جمهوری اسلامی ماند**

و باز هم روسیاهی ابدی برای جمهوری اسلامی ماند که مردم دمی از قعر چاه تاریکی اینترنت، سر برآوردند و پیامشان به جهان این بود، که کماکان، بیش از بمباران‌ها، جانشان از جانب ماموران آواره و دربدر رژیم در خطر است، که در کوچه و خیابان، عربده می‌کشند، و حیدر حیدر می‌گویند و سر و صدای جهنمی مسلسل‌هایشان را بلند می‌کنند و آزادی‌شان، از مامورانی که کماکان در حال بازداشت شهروندانند، در حالی که در زندان‌هاشان جای سوزن‌انداز نیست.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

**\*ما جنگ ایالات متحده با ایران را تحت هر بهانه‌ای به‌شدت محکوم می‌کنیم**

**مخالفت با جنگ به معنای دفاع از استبداد نیست**

صدها پژوهشگر و نویسنده جهان با انتشاربیانیه‌ای مشترک اعلام کردند: ما جنگ ایالات متحده با ایران را تحت هر بهانه‌ای به‌شدت محکوم می‌کنیم.

مخالفت با جنگ به معنای دفاع از استبداد نیست.

برپایه گزارش های رسانه ای شده در این بیانیه از جمله آمده است:

بهربرداری از مبارزات مردمی و دموکراتیک ایرانیان برای اهداف ژئوپولیتیک «از نظر اخلاقی غیرقابل دفاع» است.

تهدید دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای آغاز جنگ علیه ایران می‌تواند ناقض حقوق بین‌الملل و حتی قوانین داخلی ایالات متحده باشد که استفاده از نیروی نظامی را به مجوز کنگره مشروط می‌کند.

تجربه‌های اخیر در عراق، لیبی و افغانستان نشان می‌دهد که مداخلات نظامی آمریکا، فارغ از آن‌که به نام تغییر رژیم یا مداخله بشردوستانه صورت گیرد، موجب رنج گسترده انسانی، تضعیف چشم‌اندازهای دموکراسی و بی‌ثباتی بیشتر در خاورمیانه می‌شود.

مخالفت با جنگ به معنای دفاع از استبداد نیست.

جمهوری اسلامی ایران به‌طور فرصت‌طلبانه از بهانه امنیت ملی برای تضعیف بسیج دموکراتیک بهره برده است.

دولت ایران سرکوب شهروندان را متوقف کند، امکان بیان آزادانه اعتراض و مخالفت را فراهم آورد و همه بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر را آزاد کند.

مردم ایران «حق کامل دارند خواستار آزادی، برابری حقوق و عدالت اجتماعی باشند»، اما جنگ یا مداخله خارجی می‌تواند توان جامعه مدنی و جنبش‌های دموکراتیک را برای ایجاد شبکه‌ها، سازمان‌های صنفی و ائتلاف‌های سیاسی لازم برای گذار پایدار به دموکراسی تضعیف کند.

مداخله خارجی نه تنها مردم ایران را آزاد نخواهد کرد بلکه با تعمیق بی‌ثباتی و تشدید نظامی‌سازی، جنبش‌های دموکراتیک مردمی را نیز تضعیف خواهد کرد.

بنابراین گزارش‌ها در میان امضاکنندگان این بیانیه، از جمله نام‌های آصف بیات و پرواند آبراهامیان دیده می‌شود.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)